

بررسی رمان دختر رعیت محمود اعتمادزاده  
بر اساس دیدگاه ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن

حمیدرضا فرضی<sup>۱</sup>

پریسا قبادی سامیان<sup>۲</sup>

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از شیوه‌های جدید و کارآمد نقد متون ادبی است که رابطه میان آثار ادبی و اوضاع اجتماعی - طبقاتی و موقعیت اجتماعی نویسندگان و خوانندگان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا از این طریق، وضعیت طبقات مختلف جامعه و طرز رفتارها و کنش‌های متفاوت و متشابه ساختارهای اجتماعی در دوره معینی از تاریخ را مشخص کند. هدف این مقاله بررسی روابط بین ساختارهای زیبایی‌شناختی و ذهنی سازنده آگاهی جمعی موجود در رمان دختر رعیت با تمرکز روی روش ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن بوده است. نتایج نشان می‌دهد که ادبیات خلق شده از نظر جان و صورت توأمان شده با جنبش جنگل، رشد حزب توده، حضور متفکین و توسعه افکار مارکسیستی که جانمایه جهان‌نگری دختر رعیت را تحت تأثیر قرار داده و نشان از ارتباط بین ساختارهای زیبایی‌شناختی و ذهنی آگاهی جمعی دارد و همین موضوع، هم خوانی نزدیکی را با طبقه اجتماعی منتسب به "به‌آذین" نمایان ساخته است.

کلید واژه‌ها:

جامعه‌شناسی ادبیات، ساخت‌گرایی تکوینی، گلدمن، دختر رعیت، محمود اعتمادزاده (به‌آذین)

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و استادیار زبان و ادبیات فارسی

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۱۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۱/۱۵

## مقدمه

ادبیات را به اعتبار ماده اصلی آن یعنی زبان، پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که در ارتباطات اجتماعی بین انسان‌ها با همدیگر ساخته شده و سپس تکامل می‌یابد و آنگاه که توسط شاعر یا نویسنده‌ای برای بیان مفاهیم عینی و ذهنی مورد استفاده خاصی قرار می‌گیرد، ادبیاتی شکل می‌گیرد که آینه اجتماع است و به عنوان منعکس‌کننده تصویر راسخین از جامعه‌ای است که اثر در آن به وجود می‌آید (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۶: ۴۴). در واقع «ادبیات و هنر را به عنوان صف‌شکن آفرینش فرهنگی و عامل دگرگونی و تغییرات اجتماعی در نظر می‌گیرند» (بیلینگتون، ۱۳۸۰: ۱۳) که طی آن «هنر لرزه‌نگاری است که کوچک‌ترین انحراف از نقطه سکون و اعتدال فکری و عقیدتی موجود در اجتماع را ثبت می‌کند از این رو ادبیات و هنر، ریشه در اجتماع و زندگی اجتماعی دارد». (شوکنگ، ۱۳۷۳: ۱۵).

جامعه‌شناسی ادبیات نیز به عنوان رشته‌ای از مطالعات ادبی است که رابطه بین آثار ادبی و اوضاع و احوال اجتماعی را مورد ارزیابی و سپس چگونگی سطح آگاهی در جامعه و انواع مخاطب، روش‌های نشر و عرضه‌های نمایشی و همچنین وضعیت طبقاتی و موقعیت اجتماعی نویسندگان و خوانندگان را مورد کنکاش قرار می‌دهد. (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۵) مقاله حاضر به بررسی رمان «دختر رعیت» از منظر تاریخی و جامعه‌شناختی پرداخته و محصول قلمی اعتمادزاده را مورد تأمل و نقد اجتماعی قرار می‌دهد، به این صورت که محمود اعتمادزاده به عنوان نماینده گروه روشن‌فکران، از طریق اثر ادبی خود مسایل اجتماعی سیاسی جامعه ایران و عمدتاً محل زندگی خود را در رمان منعکس کرده و در جهت ایجاد بالندگی در طبقات پایین جامعه و نیز برای بسط و تعمیق تفکر استقلال‌خواهی، برابری و عدالت طلبی (فتوگرافی، ۱۳۸۵: ۷۲۶) معاصر کوشیده است؛ یعنی اعتمادزاده با دست‌یابی به ساختار طبقاتی و با ارجاع به اوضاع حاکم در جامعه با خلق آثار داستانی در شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در میان اعضای طبقات پایین جامعه نقش ایفاء کرده است. (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۹) اهمیت این نوع بررسی در این است که رابطه دیالکتیکی میان متون به مثابه کنش فعال ذهن خلاق نویسنده در بیان جهان‌نگری و آگاهی جمعی گروه یا طبقه‌ای خاص که نویسنده منتسب و نماینده آن به شمار می‌رود و نیز شرایط مادی حیات اجتماعی و مناسبات میان

طبقات در کلّ جامعه از سوی دیگر روشن شود تا با کشف این رابطه بتوان مقطعی از تاریخ حیات جمعی یک ملت و مناسبات طبقات و نیروهای اجتماعی دست اندرکار تغییر اجتماعی و تحوّل در جامعه مورد نظر آشکار شده و آگاهی‌های طبقاتی و گروهی و نیز هویت تاریخی مردم گسترش و تعمیق بخشیده شود.

### پیشینه های نظری و رویکردهای جامعه شناختی در ادبیات

اولین اثر در حوزه تاریخچه جامعه شناسی ادبیات مطالعات مرتبط با مادام دوآستال با عنوان پیرامون ادبیات (بررسی تأثیرات دین، خوی‌ها و قوانین روی ادبیات و تأثیر ادبیات روی دین، خوی‌ها و قوانین) بوده است که بعدها، در نیمه دوم قرن نوزدهم دو جریان غالب فلسفی و ادبی؛ یعنی پوزیتیویسم و فرمالیسم روسی منجر به آفرینش آثار علمی متعددی در حوزه جامعه شناسی ادبیات شدند که از آن جمله می‌توان به آثار زیر رجوع کرد: لافونتن و قصه هایش (۱۸۵۳) اثر ا. تن، جامعه فرانسه در قرن هیجدهم بر اساس رمان کورش کبیر، نوشته مادلن دو سکودری اثر ویکتور کرزن (۱۸۵۸) یا افسانه لسینگ (۱۸۹۳) اثر فرانتس مرینگ اشاره نمود. نویسندگان این آثار، برداشتی پویا از عمل اجتماعی نداشته و در نتیجه قادر به فراروی از برقراری پیوند ایستای محتواهای ادبی، تصویرها و مفاهیم با منافع اقتصادی مسلط و آشکار جامعه نبودند. (لنار، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۳)

مارکسیسم از دیگر نحله‌های فکری در نیمه دوم قرن نوزدهم تلاش‌های زیادی برای بنیانگذاری نظریه مارکسیستی زیبایی شناختی انجام دادند که در این میان نوشته‌های گئورگی پلخانوف، لئون تروتسکی و جورج لوکاچ از مهم‌ترین‌ها می‌باشند و از بین این متفکران، جورج لوکاچ اندیشمندی است که با نظریه رمان خود بر تمام عرصه جامعه شناسی ادبیات مسلط شده است. در این اثر انتقادی (نظریه رمان)، لوکاچ راه پژوهش‌های ادبی را با شیوه‌ای جدید و ابداعی گشود و پس از نگارش کتاب *جان و صورت*، نظریه رمان یعنی شاهکار هگلی‌اش را آفرید. (سلدون و ویدسون، ۱۳۷۷: ۸۴)

از آنجایی که جامعه‌شناسی ادبیات در جهان با نام بزرگانی چون جورج لوکاج، لوسین گلدمن، تئودور آدورنو و میخائیل باختین گره خورده است؛ لذا در اینجا به دیدگاه‌های لوکاج و گلدمن پرداخته می‌شود.

### جورج لوکاج

لوکاج با طرح نظریهٔ رمان، با اتکاء به مفهوم "تاریخی سازی مقوله‌های زیبایی‌شناختی"؛ دست به تدوین دیالکتیکی از انواع ادبی زد که این دیالکتیک، به اجتماعی می‌رسد که با جمله «فرم رمان بازتاب یک دنیای متلاشی شده است» همین موضوع نمودار شده است. لوکاج بر اثر تجربهٔ جنگ جهانی اول، تحولات ادبی و اجتماعی، ساختار ادبی و مرحله‌ای از دیالکتیک تاریخی - فلسفی را ساخته و پرداخته کرد و آنها را در یک کلیت به هم پیوند داد تا سرانجام به این نتیجه برسد که هر مرحله‌ای از تاریخ اجتماعی با یک فرم یا صورت بزرگ ادبی همراه است که طی آن جان با جهان و ذهن با عین متناسب و از هماهنگی کامل برخوردار می‌باشند. (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۹۹)

لوکاج با ایجاد پیوند میان فلسفهٔ اومانستی (انسان محوری) پرولتری و هنر سترگ، اصالت را به هنری داده است که همچون مارکسیسم سعی در به روی صحنه آوردن تمامیت انسان و انسان جامع در مجموع دنیای اجتماعی دارد (لوکاج، ۱۳۷۵: ۴۹).

لوکاج با مرتبط ساختن ادبیات و حیات بورژوازی اظهار می‌دارد که ادبیات مدرن بورژوازی سعی در جدا کردن انسان خصوصی و انسان عمومی در جامعه دارد و هر چه جامعهٔ بورژوازی بیشتر رشد کند؛ این احساس نیز بیشتر تقویت می‌شود که «افراد از یکدیگر جدا هستند و زندگی درونی روان آدمی، زندگی خصوصی به معنای دقیق، از قوانین خاص و مستقل خود پیروی می‌کند و کامیابی‌ها و ناکامی‌های آن به نحوی هر چه مستقل‌تر از زندگی اجتماعی جریان می‌یابد» اما ادبیات قادر به نمایش زندهٔ انسان نخواهد بود مگر در پرتو برقراری این پیوند ناگسستنی میان انسان خصوصی و انسان زندگی عمومی جامعه. (همان: ۵۲)

## لوسین گلدمن

گلدمن به نقش ویژه خواننده و دریافت کننده اشاره داشته و روش دیالکتیکی را در تمام عناصر و جنبه‌های پژوهش خود به کار می‌گیرد. از دیدگاه گلدمن، رمان حماسه‌ای ذهنی است که در آن نویسنده خواستار ترسیم جهان به شیوه خاص خود است. حماسه در واقع بر آن است که هماهنگی تام جهان را بیان کند و دنیایی را عرضه می‌دارد که در آن همه پاسخ‌ها، حتی پیش از طرح پرسش‌ها، داده شده‌اند، جهانی که در آن، معنا، در دل همه جلوه‌های زندگی نهفته است و فقط باید آشکارا بیان شود. جهان حماسه با وحدت قهرمان و واقعیت مشخص می‌شود و این دقیقاً در مقابل جهان ارزش باخته رمان قرار دارد؛ حماسه‌ای ذهنی که بر خلاف حماسه و افسانه، با گسست رفع نشدنی میان قهرمان و جهان مشخص می‌شود، جهانی که در واقعیت امر، در جامعه فردگرا، پس از عزیمت خدایان و پس از محو اجتماع باستانی و فئودالی، معنای خود را از دست داده است. گلدمن از گسست رفع نشدنی میان قهرمان و جهان در رمان سخن به میان می‌آورد و معتقد است که رمان جایی در میان تراژدی و حماسه واقع شده است و دارای ماهیتی دیالکتیکی است؛ زیرا از یک سو اتحاد بنیادین قهرمان و جهان را که لازمه همه صورت‌های حماسی است و از سوی دیگر، گسست رفع نشدنی آنها را در بر دارد. (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۲)

در اندیشه گلدمن، رمان محصول وضعیتی یا ساختار خاص اجتماعی است که در آن شخص پروبلماتیک خلق می‌شود، و این شخص ضمن توجه به پیشینه آگاهی ممکن طبقه‌ای خاص یا جامعه، ژانر رمان، که صورت شخص پروبلماتیک را به خود می‌گیرد، خلق می‌کند که نوع غالب ادبی در جامعه بورژوازی می‌باشد. (گلدمن، ۱۳۷۶: ۳۲۸)

## ساخت گرایی تکوینی لوسین گلدمن

خاستگاه ساخت گرایی تکوینی این فرضیه است که هر رفتار انسانی، کوششی است برای دادن پاسخی معنادار به وضعیتی خاص و از همین رهگذر، گرایش به آن دارد تا تعادلی میان فاعل عمل و موضوعی که عمل بدان مربوط می‌شود؛ یعنی جهان پیرامون آدمی، برقرار کند. تعادلی که همواره خصلتی گذرا و ناپایدار دارد؛ زیرا هرگونه تعادل میان ساختارهای ذهنی

فاعل عمل و جهان بیرونی به وضعیتی می‌انجامد که در درون آن، رفتار انسان جهان را دگرگون می‌کند و این دگرگونی نیز تعادل قدیمی را بر هم می‌زند و گرایش به برقراری تعادل جدیدی را که به نوبه خود بعدها پشت سر گذاشته خواهد شد، ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، واقعیت‌های انسانی به صورت فرایندهایی دورویه نمودار می‌شوند، ساخت‌شکنی ساختارهای قدیمی و ساختاریابی کلیت‌های جدیدی که قادر به ایجاد تعادل‌هایی هستند که می‌توانند نیازهای تازه گروه‌های اجتماعی را برآورده سازند. (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۱۷)

بنابراین ساخت‌گرایی تکوینی (روش لوسین گلدمن برای درک تاریخ جهت ارزیابی هم‌خوانی بین ساختار آگاهی گروه اجتماعی و ساختار جهان اثر) رهیافتی است که محل تمرکزش بررسی شرایط و فرایندهای اجتماعی وابسته به خلق ادبیات مارکسیستی و ملهم از لوکاچ جوان است که طی آن متن ادبی به منزله ابزاری برای بررسی جامعه شناختی به کار می‌رود و به طور خلاصه، بررسی منش تاریخی - اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است. (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۰۱)

حال برای شناخت جامعه مورد نظر نویسنده و اثر او، مسئله اساسی مقاله حاضر به این صورت مطرح می‌شود که آیا میان ساختار زیبایی‌شناختی رمان دختر رعیت محمود اعتمادزاده از یک سو و ساختار ذهنی سازنده آگاهی جمعی گروه یا طبقه اجتماعی که او بدان منتسب بوده از سوی دیگر، رابطه متقابل یا هم‌خوانی ساختاری وجود دارد؟ یا به سخنی دیگر آیا می‌توان دختر رعیت را جزو آن گونه آفرینش‌های ادبی گروه یا طبقه تاریخی در نظر گرفت که ساخت آفرینی کلیت روابط میان انسان‌ها و نیز روابط انسان‌ها با طبیعت را دنبال کرده و با تشکیل جهانی بسیار منسجم و یکپارچه، در عرصه مفهومی به ایجاد نظام‌های فلسفی و در عرصه تخیلی به آثار بزرگ هنری می‌رسند؟

#### خلاصه داستان «دختر رعیت»

دختر رعیت نام نخستین رمان به آذین است که در سال ۱۳۳۱ منتشر شد. در این رمان نویسنده به جنبش جنگل می‌پردازد و نخستین تلاش‌ها را برای خلق یک رمان تاریخی و واقع

گرای فارسی به کار می‌بندد. در این رمان دو مضمون در کنار هم پیش می‌روند: نهضت جنگل و داستان زندگی صغرا دختر رعیت در خانه ارباب. (به آذین، ۱۳۴۲)

فضای جغرافیایی وقوع حوادث در داستان مورد نظر این مقاله محیط روستایی بوده که باز آفرینی شده روستاهای شمال و تفکرات مرتبط با جنبش جنگل می‌باشد به هر حال آنچه که شایان توجه است اینکه اعتمادزاده پرورش یافته و فرزند گیلان (رشت) و موجب بزرگی و سرافرازی آنان می‌باشد. اعتمادزاده محصول برشی از اقیانوس تحولات مارکسیستی و دگرگونی‌های اجتماعی منطقه شمال و تحولات سیاسی ایران در یک صد سال گذشته بوده و متقابلاً تأثیرات شگرف او را از طریق محصولات فکری‌اش بر تحولات بعدی تاریخ این سرزمین شاهدیم و موضوع پژوهش حاضر کشف و نگارش این هم‌خوانی و تأثیر و تأثرات است. مهم‌ترین کار به آذین در این داستان آوردن وقایع مهم تاریخی سرزمین‌اش در خلال بیان زندگی روستاییان است. او ضمن بیان زندگی احمدگل که دختر نه ساله‌اش خدیجه را علی‌رغم میل باطنی‌اش برای کار در خانه ارباب می‌گذارد و شرح زندگی این دختر، به قیام جنگل و حوادثی که در طول مبارزه میرزا کوچک خان رخ داده، اشاره می‌کند. آشنایی ژرف نویسنده با آداب، سنن، جغرافیای وقوع داستان در فضا سازی، توصیف‌ها و حتی دیالوگ‌ها (تکیه کلام‌ها و خوش کلامی‌ها و گوشه‌ها و کنایه‌ها) اصالت بیشتری دارد و واقعی‌تر و ملموس‌تر می‌نماید. حسن میرعبدینی در کتاب «صدسال داستان نویسی ایران» درباره دختر رعیت می‌نویسد: «به آذین از نویسندگانی است که هم‌زمان با علوی به مقابله با سنت‌های پوسیده رمان نویسی اولیه برخاست و در راه آفریدن رمان واقعی کوشید. رمانی که او نوشت، دختر رعیت (۱۳۳۱)، افق گسترده‌ای از زندگی را در نظر خوانندگان ادبیات فارسی قرارداد. (میرعبدینی، ۱۳۸۳: ۷۵)

در حقیقت، ماجراهای "دختر رعیت" در دو بعد، گستردگی می‌یابد: یکی در بعد عینی و واقعیت‌های اجتماعی، دیگری در بعد حوادث تاریخی. این داستان به مثابه یکی از اولین و مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ رمان نویسی فارسی قابل معرفی و شناسایی است. در رمان دختر رعیت به آذین سعی بر این دارد که به بهانه روایت زندگی دختری به نام صغری که کلفت خانه اربابی است، شرایط اجتماعی حاکم و سیر تحولات سیاسی آن روزگار کشور به ویژه

رشت را روایت کند. داستان با احمد گل آغاز می‌شود. احمد گل رعیتی دهاتی است و بر روی زمین‌های اربابی کار می‌کند و سهمی به اندازه گذران روزگار می‌گیرد و باقی را به ارباب تحویل می‌دهد و هر روز گرسنه و فقیرتر از دیروز می‌شود. همسرش تسلیم مرگ شده است و از او دو دختر به نام‌های خدیجه و صغری به یادگار مانده است. خدیجه کلفت خانه ارباب (حاج ابراهیم) در رشت شده است. تنها مونس و همدم او طفل (۵-۶ ساله) بی‌اندازه شبیه به مادر؛ یعنی صغری است که او را هم دست ارباب از او جدا می‌کند و به خانه برادر ارباب (حاج احمد) که خود ارباب است می‌فرستد.

در طی روایت این زندگی پرفراز و نشیب، به آذین وقایع رشت را روایت می‌کند. در روسیه انقلاب به پیروزی رسیده است. نهضت جنگلی‌ها تشکیل شده است، انگلیس، روسیه و آمریکا خواهان سهم از ایران هستند، دولت احمد شاه در مانده است، سرمایه‌داری بیداد می‌کند، حاج ابراهیم در این گیرودار با زد و بندهایی که با قشون روس در جهت تهیه آذوقه می‌کند ثروتش دوچندان می‌شود، صغری و خانه ارباب تحت تأثیر رفت و آمدهای قشون دولتی، جنگلی، قزاق و انگلیسی است. گاه جنگلی‌ها و انقلابیون حاکم رشت می‌شوند، گاه انگلیسی‌ها، گاه دولتی‌ها. احمد گل به جنگلی‌ها پیوسته. مهدی پسر بزرگ حاج ابراهیم به هر طریقی خواهان تصاحب صغری برای ارضای خود است. صغری قربانی می‌شود. میرزا اشتباه می‌کند، همه چیز را می‌بازد، انقلابیون شکست می‌خورند، سرمایه‌داران به جهت باد تغییر می‌کنند، این‌ها تحولاتی است که در طول رمان به آذین سعی بر این دارد که با هم پیش ببرد، در اغلب اوقات نیز از عهده آن بر می‌آید.

با این اوصاف معلوم می‌شود که، اعتمادزاده دوران زندگی و رشد فکری‌اش را در یکی از بحرانی‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخی ۱۳۲۰-۱۳۳۲ گذرانده و در این زمان پرجوش و خروش سیاسی، هجوم متفقین به ایران، حضور عمده روس‌ها در شمال، رشد تفکرات مارکسیستی از طرف شوروی در بخش‌های شمالی ایران، رشد احزاب در ایران و شکل‌گیری حزب توده و جنبش‌های اجتماعی که عمده‌اش در شمال ایران جنبش جنگل بود و دیگر نهضت‌های عظیم اجتماعی، مایه‌های فکری و تخیل سرشار او برای همیشه شکل گرفت.



## روش شناسی تحلیل جامعه شناختی رمان دختر رعیت

روش تحقیق مورد استفاده کیفی، از نوع دیالکتیکی و کلّ گرا بوده که با استناد به روش ساخت گرایي تکوینی لوسین گلدمن، به بررسی کلیت در متن واقعیت تاریخی می‌پردازد؛ چرا که کلیت فرایندی مداوم بوده که در دو سطح تفسیر و دریافت (الگوی ساختاری معنادار) و سطح تشریح (زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی) ساختار اثر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. کلیت به عنوان مقوله‌ای روش شناختی در اندیشه گلدمن حائز اهمیت بسیار بوده و با این نتیجه‌گیری که شناخت اجزاء تابع کلّ است و درک کلّ نیز مشروط به شناخت اجزاء و فهم مناسبات میان آنها می‌باشد. (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۱۳-۲۱۲)

براین اساس، دریافت؛ یعنی روشن کردن ساختار معنادار درونی موضوع بررسی و تشریح؛ یعنی گنجاندن این ساختار معنادار به عنوان عنصر سازنده و کارکردی در یک ساختار بی‌واسطه فراگیر که ابتدا پژوهشگر به بررسی مفصل و جامع آن نمی‌پردازد فقط تا حدی که برای روشن‌تر کردن تکوین اثر مورد تحلیل لازم است، آن را بررسی می‌کند. (همان، ۱۳۷۷: ۲۱۴-۲۱۵)

## مرحله اول - مرحله دریافت

واقع گرایي و بینش رمان نویسی به آذین با برگرفتن از مضمون‌های اجتماعی ساختاربندي حاکم در جامعه نمایانگر نمودهای دیالکتیک عین و ذهن (لوکاچی) و به تعبیری دقیق‌تر مبین میدانی است که به آذین در آن پرورش یافته است.

مرد دهاتی به پهلو غلطید و پنجه زمختش را آهسته روی چهره ملوس

و دست و پای نازک دخترش لغزاند؛ کودک سردش بود و مانند گربه خود را

جمع کرده بود. احمد گل... خمیازه‌ای کشید... (اعتمادزاده، ۱۳۴۲: ۵)

به آذین در این اثر خود بارها از جامعه طبقاتی و روابط ارباب و رعیتی صحبت کرده و صورت بندی اجتماعی را با محتوای جباریت طبقاتی (تحت تاثیر بینش مارکسیستی) ترسیم کرده است. واضح است که نظام اجتماعی حاکم با صورت بندی ارباب-رعیتی باعث شکل گیری روابط طبقاتی و مناسبات اقتصادی در بین اجزای شبکه‌های اجتماعی طبقات بالا و پایین جامعه داشته است و آن حالت پارادوکسیکالی (متضادی) است که در یک طرف آن شبکه‌های

اجتماعی طبقات پایین با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص و در قطبی دیگر طبقات بالا با منش خاص موجودیت می‌یابند و در شبکه‌های کنشی پیوستار آزادی- اجبار، استثمارکننده- استثمارشونده، شیء وارگی - انسان وارگی را دارا هستند؛ همچنین مدیریت خانوادگی در دو طرف طبقات جامعه متفاوت است در طبقات پایین شرایط سخت زندگی و نگهداری از بچه‌ها مستلزم هزینه‌هایی است که از عهده آن بر نمی‌آیند در حالی که در طبقات بالای جامعه روستایی، زن خانه به کلفت‌ها دستور می‌دهد و نحوه زندگی و بچه‌داری با اصول و مدیریت همسر خانه تعریف شده است. احساس دلزدگی و شیء وارگی در بین اعضای طبقات پایین جامعه (احمدگل) بیشتر است؛ به گونه‌ای که خود را تبدیل به ابزاری می‌دانند که در اختیار ارباب است؛ چرا که در تعبیر مارکسیستی این زیربنا (اقتصاد) است که همه ساختار را تحت الشعاع خود قرار داده است و بر روی روبناهای ساختاربندی جامعه از فرهنگ (تحصیل، آموزش، مدیریت خانه...) و شخصیت گرفته تا اجتماع انسانی تاثیرگذار است. در طبقات پایین جامعه که عمدتاً در محیط روستایی مشغول فعالیت هستند، استثمار از ارباب به سمت داخل خانه‌های رعیت نیز کشیده شده است به طوری که تابعیت زنان و فرزندان خانه نیز تحت تاثیر تنظیم‌های اجتماعی مالکیت است که طی آن زنان و فرزندان نیز جزء متعلقات یا دارایی‌های شخصی شوهران تلقی شده است.

او مرد است و هزار کار دارد سرحاصل، ارباب از او برنج می‌خواهد این که شوخی نیست باید کاشت و سهمی ارباب را داد؛ نمی‌شود گفت من یتیم داری می‌کردم و نتوانستم برسم؛ چرا که زمین مال اوست. احمد گل در خصوص صغری هم همچنین فکری می‌کرد که اگر هم کسی پیدا می‌شد که صغری را از او می‌گرفت راستی، منتهی برسرش می‌گذاشت، دیگر می‌توانست روزها بی دلواپسی بکار خود برسد. (همان، ۹-۸)

تا زمانی که نرجس زنده بود، همین که علیجان (همسایه احمدگل) با چماق چارواداری رو به زنش نهیب می‌برد، عباسه مار بسنگینی ماده گاو رمیده، نفس زنان خود را به ایوان خانه احمدگل می‌رساند، نرجس دست او را می‌گرفت به اطاق می‌برد و می‌نشانند و از او دلجویی می‌کرد؛ پس از آن

احمدگل را به پیشواز علیجان می‌فرستاد که به زبان خوش آرامش کند و

چماق را از دستش بگیرد... (همان: ۱۲)

واضح است که در صورت بندی اجتماعی حاکم در زندگی روستائیان در روستای مورد نظر به آذین، فضای بسته طبقاتی وجود دارد و در آن، حالت اجتماعی پولاریزه ای متصور شده است که در یک طرف آن اجبار و در قطب دیگر آزادی موجودیت می‌یابد که هر دو وضعیت از لحاظ اجتماعی غیرنرمال و بعضاً ویرانگر می‌باشند و بر این اساس معلوم می‌شود که به آذین این رمان را در چارچوب سبک محبوب خود؛ یعنی رئالیسم سوسیالیستی به رشته تحریر در آورده است و در چشم اندازی که بر مبنای تضاد طبقاتی ارباب و رعیت شکل می‌گیرد، پردازش بیشتری داشته است. همنشینی و همدلی طبقاتی نشان از پیوندهای اجتماعی بین طبقات دارد که براساس آن، طبقات متناسب به ارباب تلاش بر ایجاد تشخیص و تمایز اجتماعی با طبقه رعایا (غذا خوردن رعایا در مطبخ متفاوت از ارباب) داشته‌اند و پرستیژ اجتماعی طبقات پایین به اندازه شان و منزلت حیواناتی مثل گریه نازی نبوده است:

حاج آقا احمد لیوان آب را برداشت و به لب برد. چشمش به صغری

افتاد. پس از آنکه لیوان را بر زمین گذاشت روبه زنش نمود:

- خوب. برای این هم می‌خواستی غذا بریزی.

- برای کی؟

- خانم سرش را برگرداند و صغری را دید. ... نگاه سرد خانم او را

بی‌حرکت نگه می‌داشت... صغری با چشم نمناک و شکم گرسنه رفت و دیگر

نشید که خانم با شوهرش پرخاش می‌کرد. (همان: ۴۶-۴۷)

به آذین برای تشریح وضعیت سیاسی حاکم در جریانات صورت بندی اجتماعی شکل گرفته به ظهور لایه‌های جنبش اجتماعی - سیاسی جنگل اشاره می‌کند و قشر بندی اجتماعی را در طبقات موجود بین رعایا نسبت به حرکات جنبشی جهت اعتراض به وضعیت حاکم در جامعه ایران و پیوستن آنها به جنگل در تقابل با تفکر مثبت طبقه ارباب نسبت به حضور روس‌ها و انگلیسی‌ها (تغییر رنگ حاج آقا احمد نسبت به روس‌ها و انگلیس‌ها و تزویر و منافق عمل کردن طبقه‌ای اربابی نسبت به شرایط زمانی و مکانی جامعه) و ضعف دولت

مرکزی نسبت به ساز و کارهای جامعه و ظهور آشفتگی‌های اجتماعی در سطح شهر و تضادهای طبقاتی در قالب هجوم آوردن به انبارهای برنج و خوراک ارباب‌ها توسط حرکات جنبشی جنگلی‌ها (نویسنده حکم به یاغی‌گری سربازان میرزا داده است) اشاره می‌کند:

[...]دیگر سراسر گیلان عملاً در دست جنگلی‌ها بود. فرستاده‌های

دولت مرکزی آدمک‌های سرخرمن بودند. لشکریان روس پس از انقلاب با اشتیاق رو به وطن و خانه خود می‌نهادند. سربازان جنگل آزادانه در رشت رفت و آمد می‌کردند... (همان: ۹۵)

انگلیس‌ها به عنوان رهگذر آمده بودند و بیرون شهر، در محل کنسولگری روس جا گرفته بودند. بوی نفت آنها را بسوی باکو می‌کشید... (همان: ۹۷)

[...] ببریید مردم. بخورید. حلالتان باد، مثل شیر مادر.

سرباز دیگری، که او هم دهاتی به نظر می‌رسید به خنده فریاد می‌کشید:  
- ماها کاشتیم این پدر سوخته‌ها انبار کردند ببریید مردم ببریید.  
(همان: ۹۹)

[...] شهر به تصرف انگلیسی‌ها درآمد رفتار آنان حکایت از وجدان انسانی نمی‌کرد. چندین خانه را که صاحبانشان از هواداران جنگل بودند، پاک سوختند و خانه‌های بیشمار دیگری را بنام بازرسی اسلحه به باد غارت دادند.  
(همان: ۱۰۰)

حاج احمدآقا (ارباب) با قیافه‌کسانی که در راه حق شکنجه دیده‌اند، پیش مائیر (فرمانده انگلیسی) حضور یافت ... به آسانی او را ملزم ساخت که خواربار مورد نیاز سربازان انگلیسی را فراهم آورد. (همان: ۱۰۱)

مالک و اعیان همه نوع هواخواهی می‌نمودند. کار بر جنگلی‌ها تنگ

می‌شد. (همان: ۱۱۱)

در متن داستان نویسنده به مناسبات اجتماعی به تبعیت از موج مرسوم آن سال‌ها، طبقه روحانی را هم کیسه و همدست بازاری‌های ظاهرالصلاح زالو صفت (حاج آقا احمد) نشان

می‌دهد و در لابه‌لای روایت‌ها از فضای سیاسی جامعه طرح‌هایی می‌دهد که از شعله‌ور شدن قیام جنگل ملتهب است. او با دستمایه قراردادن خاطره‌های کودکی، خطوطی از خرده فرهنگ شمالی- از آداب و سنن اجتماعی و خانوادگی - را برجسته می‌کند اما در روایت نهضت جنگل به دلیل تعلقات و تعصبات حزبی، تاریخ را به نفع ایدئولوژی مصادره کرده و تصویری وارونه از شخصیت میرزا کوچک خان ارائه می‌دهد. او با ساختن دوگانه موهومی به نام گروه جنگل و گروه انقلاب، رفقای هم فکرش را گروه انقلاب گیلان می‌خواند که احسان الله خان، خالو قربان و حیدر عمواوغلی سردمدار آن بوده، در مقابل اینان میرزا کوچک و یارانش را به عنوان گروه جنگل قرار می‌دهد. به آذین میرزا کوچک را قدرت طلب، سست پیمان و عهدشکن و فراری از انقلاب می‌خواند و آن سه رفیق را تا مرتبت رهبران پاک باخته و شهید یک انقلاب خونین برمی‌کشد که دوران‌دیشی و قاطعیت انقلابی شان با خیانت میرزا کوچک درهم شکسته شد؛ بنابر التزام عقیدتی و سیاسی نویسنده به اردوگاه سوسیالیستی با تحریف تاریخی به نفع اردوگاه ایدئولوژیک شخصیتی وارونه از میرزا کوچک خان تصویری ارائه می‌کند:

میرزا هوای ریاست مستقل به سرداشت. شاید هم هنوز با پاره‌ای از دسته بندی‌های سیاسی تهران مربوط بود و از آنجا اغوا می‌شد. به هر حال، تسبیح در دست او به صورت هواسنج سیاسی درآمده بود[...]. خودخواهی و نزدیک بینی او از پیشرفت کارها می‌کاست. اما، کم و بیش، در میان همکاران نزدیک میرزا گرایش به سوی عقاید نو دیده می‌شد. جریان کارها به نحوی بود که ممکن بود به زودی میرزا و جهت خود را از دست بدهد و تنها بماند. از این رو میرزا، برای آن که خود از کاروان باز نماند، خواست تا راه ببندد. به بهانه سرکوب یا غیان طالش و خلخال، از راه پسیخان و فومن سرباز و مهمات به جنگل فرستاد و خود نیز شبانه بدان سوگریخت. میرزا از آن سوی آب پسیخان، و نیروی دولتی از راه منجیل، برای خاموش کردن انقلاب زمینه می‌چیدند... (همان: ۱۱۳)

براساس محتوای داستان «دختر رعیت» معلوم می‌شود که صورت و محتوای داستان جریانی است دوپاره و نشانگر تعلقات ذهنی متضاد نویسنده: هم از طریق بازنمایی زندگی کلفتی در خانه ارباب، مضامین «پراکنده» را تکرار می‌کند و هم با پرداختن به مبارزات دهقانی، اشتیاق خود را به ادبیات اجتماعی به نمایش می‌گذارد؛ بی‌آنکه بتواند با برقراری رابطه‌ای هماهنگ و ظریف بین این دو مضمون، رمانی با ترکیب‌بندی یکدست پدید آورد ولی با این همه، «دختر رعیت» را می‌توان از گام‌های نخستین برای آفرینش رمان اجتماعی ایران دانست.

### مرحله دوم - مرحله تشریح

مرحله تشریح به ارزیابی و روشن کردن دلالت‌های داستانی اعتمادزاده در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شرایط حاکم در خلق آثار ادبی می‌پردازد که این امر منوط به تعیین کلیت ساختارهای اجتماعی حاکم در آن زمان ایران می‌باشد تا براساس آن، جنبه‌های مختلف زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم، جامعه و کشور مورد بحث قرار گیرد. برای ایجاد رابطه بین شیوه تولید اثر ادبی و صورت‌بندی‌های اجتماعی استنتاجی از آن و همچنین ساختارهای ذهنی و روانی گروه‌های اجتماعی و ساختارهای ادبی (ساخت‌های ذهنی و روانی خالقان جمعی آثار) مرتبط با آنها بایستی بنیان‌ها و ساخت‌های اقتصادی-اجتماعی ایران در گذر زمان و تاریخ مورد ارزیابی قرار گیرد. (مصباحی پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۲۳۶-۲۳۲)

ساخت چگونگی قرارگیری اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده جامعه از قبیل نهادها، طبقات و... را در درون جامعه به عنوان یک کل و نیز روابط میان آن اجزا و عناصر را با یکدیگر نشان می‌دهد. در این میان، هنر و ادبیات بی‌آنکه تحت تاثیر قطعی و تعیین‌کننده ساخت اجتماعی-اقتصادی یا سیاسی می‌باشند، از آن نیز به طور کامل فارغ نبوده بلکه همواره میان هنر و جامعه کنشی متقابل در جریان است. (وحیدا، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۵)

آغاز رمان نویسی، با خلع رضاخان از قدرت و جانشینی محمدرضا شاه مصادف بود با شروع حکومت محمدرضا شاه و تبعید رضاخان، انتقاد از استبداد دیکتاتور سابق شروع شد و در موقعیت آشفته بعد از جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران، آزادی‌های نسبی رشد

یافت و مجلات، روزنامه‌ها و آثار متعددی چاپ شد. ورود متفکین به ایران با یک دوره شبه دموکراتیک همراه بود. در اثر این آزادی نسبی، احزاب سیاسی مثل قارچ در جامعه روییدند و فضای جامعه آماده آفرینش فرهنگی شد و روشنفکران و نویسندگان و شاعران امیدوارانه از اصلاحات و آزادی دم زدند. (فیوضات، ۱۳۷۵: ۴۹)

### ظهور حزب توده در سال ۱۳۲۰

حزب توده بلافاصله بعد از تبعید رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی (مهر ۱۳۲۰) ظهور کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۵۳) و به گسترش نفوذ خود در شهرهای شمالی و اصفهان به عنوان مراکز تولید منسوجات پرداخت. (همان: ۲۶۱)

### ظهور و سقوط جنبش جنگل و قیام میرزا کوچک خان جنگلی

موقعیت خاص جغرافیایی و توانایی‌های طبیعی سرزمین گیلان، شاهان و رجال را همواره معطوف به تملک و تصاحب بخش‌های با ارزش و حاصل‌خیز این منطقه از کشور کرده بود و اربابان جهت کسب منافع و نیز جلب رضایت دربار و ارسال حق‌الاجاره، فشار مضاعف و طاقت فرسایی را بر توده فقیر و محروم گیلان، به‌خصوص بر کشاورزان وارد می‌کردند. (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۱: ۸۸)

آن هنگام که مشروطه به بیراهه رفته و کشور در تب و تاب مشکلات داخلی از یک سو و نفوذ و دخالت خارجی از سوی دیگر می‌سوخت، جوانی تقریباً گمنام در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، به نام میرزا کوچک خان جنگلی از دیار گیلان نمایان شد. میرزا در زمره مشروطه‌خواهان و همراه با آزادی‌خواهان به عنوان یک انقلابی واقعی و معتقد به مبارزه علیه استبداد و استعمار پرداخت. (فخرایی، ۱۳۵۳: ۱۰۳)

### مناسبات حاکم در نظام ارباب و رعیتی

ساخت اجتماعی و اقتصادی گیلان مبتنی بر نظام ارباب - رعیتی بود. در نظام اربابی دو طبقه اجتماعی ارباب و رعیت که دارای منافع اقتصادی متضادی هستند، در برابر یکدیگر

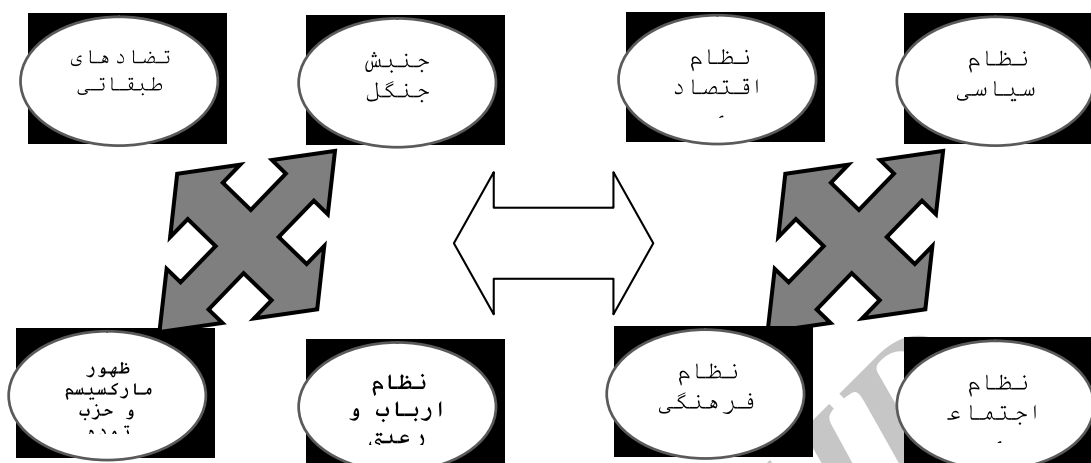
قرارداشتند. ارباب، مالک وسایل اصلی تولید بود و در امر تولید شرکتی نداشت و کلیه اعمال زراعتی، از قبیل آماده کردن زمین، افشاندن بذر، آبیاری، وجین کردن، درو کردن، خرمن کوبی، حمل و نقل محصول و غیره به وسیله رعیت و خانوار او انجام می‌گرفت. نحوه تقسیم محصول بین ارباب و رعیت براساس سیستم مزارعه؛ یعنی شرکت کردن رعیت در محصول زراعتی بر طبق عوامل پنج‌گانه تولید (زمین، آب، بذر، چهارپا و انسان) قرار داده شده بود که رعیت در تنظیم شرایط آن هیچ‌گونه نقشی نداشت، از آنجا که ارباب صاحب اصلی ابزار و وسایل تولید بود تقریباً چهار پنجم محصول تولید از آن او می‌شد و سهمی که زارع از این، به اصطلاح مشارکت می‌برد، حتی کفاف قوت لایموت وی را نمی‌داد. (رابینو، ۱۳۶۶: ۹۳)

Archive of SID



## نتیجه گیری

اگر درون مایه یا بنیان نظریه مارکسیستی ادبیات و به خصوص نظریه ساخت‌گرای تکوینی لوسین گلدمن را خصلت اجتماعی و گروهی خلاقیت‌ها و آثار ادبی بدانیم و جایگاه نویسنده را در حد نابه‌ای که فقط به پیشینه آگاهی ممکن گروه یا طبقه خود دست یافته و نقش واسطه را در بیان آگاهی طبقاتی ایفا می‌کند تقلیل دهیم، (حزب توده به تاسی از بینش مارکسیستی به آذین) و همچنین زیبایی‌شناسی این فرآورده فکری و تخیلی (دختر رعیت) را در بیان هر چه خلاقانه‌تر و منسجم‌تر این آگاهی جمعی فرض نماییم، یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از قوام و سترگی کم‌بَدیل این نظریه در ساخت ارزیابی واقعیت‌های اجتماعی از ورای آثار ادبی دارد که با استناد به بینش ساخت‌گرای تکوینی گلدمن، این امکان فراهم است تا آینده‌ی حیات اجتماعی و برآیند عمل نیروهای اجتماعی و طبقات موجود در جامعه از پیش حدس زده شود. دختر رعیت به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رمان‌های اجتماعی، به وضعیت اسفناک رعیت در مقابل ارباب پرداخته است. در این رمان شاید برای اولین بار در پس‌زمینه حوادثی که در ضمن داستان رخ می‌دهد، حادثه مهم تاریخی و اجتماعی نیز شرح و توصیف شده است. قیام میرزا کوچک خان جنگلی سازنده عنصر تاریخی و وجهه اجتماعی آن است که به خوبی در ضمن وقایع رمان شرح داده شده است (نیکویخت و عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۳۳۱). نخستین بار محمود اعتمادزاده (به آذین) نویسنده نام‌آور معاصر در رمان دختر رعیت با استفاده از خصایص جغرافیایی و تاریخی اثری ماندگار نوشت که در ادبیات اقلیمی جایگاه رفیع دارد. داستان او با توجه به بررسی مستندگونه نویسنده از رویداد تاریخی نهضت جنگل مطابقت زیادی دارد. رمان دختر رعیت آئینه تمام‌نمایی از زندگی روستائیان گیلان در هنگام خیزش نهضت جنگل است. در دختر رعیت درون‌مایه اصلی رمان واقع‌گرای به آذین در چهار بُعد اجتماعی با اشاره به وضعیت نظام اجتماعی ارباب و رعیتی با نمود نحوه زندگی صغرا دختر رعیت، نظام سیاسی حاکم که ناکارآمدی آن با هجوم متفقین و شکل‌گیری جنبش جنگل نشان داده شده است، نظام اقتصادی ناکارآمد در قالب تنش‌ها و فاصله طبقاتی و نظام فرهنگی که توأم به ایدئولوژی مارکس و در قالب حزب توده به تصویر کشیده شده است.



نظم نوشتاری حاکم در فضای داستانی دختر رعیت نشان از ساختاربنندی چهاربعدی مذکور را دارد که فضای تاریخی داستان نشان از وضعیت قابل تأمل اشاره شده در داستان دارد که در هسته مرکزی و کانون ساختار مورد نظر اعتمادزاده تاریخ سراسر پرنشیب این سرزمین با شرایط ویژه جغرافیائی - تاریخی آن را می‌توان مشاهده کرد. دختر رعیت مظهر لزوم بازنگری در رفتارهای اجتماعی نظام اجتماعی حاکم در نظام اربابی است که مرتفع کردن آن مستلزم توجه به ایدئولوژی مارکسیستی و انجام اصلاحات از طریق شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و انقلابات کارگری برای دستیابی به حقوق از دست رفته بوده است. در این رمان سبک تعامل و تبادلات کنشی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همچنین روان‌شناسی منطقه‌ای و جامعه‌شناختی را با استناد به وقایع تاریخی به نمایش گذاشته است. در واقع، رمان دختر رعیت نمودی از انتظام کهنه اجتماعی و سیاسی حاکم می‌باشد که جامعه را به حالت انحطاط و ضعف کشانده است (واقعه جنبش جنگل، حضور متفقین، عملکرد نظام سیاسی و...) و همین ویژگی را رمان واقع‌گرای اجتماعی در قالب کردار و شرایط شخصیت پردازی‌اش با اشاره به وقایع تاریخی و اجتماعی آن زمان در مضمون‌های خود قرار می‌دهد. چند وجهی‌سازی و چندبعدی‌نگری با صداهای متفاوت در نقادی به آذین نمودار شده است که علاوه بر نقد اصلاحات ارضی، نقد فرهنگ و تبعیض‌های طبقاتی مقولاتی نظیر تقابل ارزش‌های سنتی با ارزش‌های مدرن (مادی)، گذر از زندگی روستایی به زندگی شهری در

ساختاربندی رمان به تناقض‌های شکل گرفته در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته اشاره می‌کند که جان کلام نیمه اول قرن بیستم متکی به تعابیر ایدئولوژیکی با محوریت تبیین‌های اجتماعی اقتصادمحور و نگاه‌های حزبی مصداقی همین موضوع است. در دختر رعیت زن به عنوان یکی از پیکره‌های اصلی جامعه روستایی قربانی معاملات اقتصادی، سودجویی و منزلت اجتماعی مردان و مورد سوء استفاده نظام اجتماعی حاکم است. این که خانواده رعیت به سبب ساختاربندی حاکم و ضعف اقتصادی مجبور می‌شود دختر خردسال و نابالغ خود را در خانه ارباب به عنوان کلفت بفرستد و سپس مورد سوء استفاده هوس‌های پسر ارباب قرار گیرد نشان از نمایش جایگاه زن و چهره فرهنگی جامعه دارد که از زن به عنوان جنس دوم یاد می‌کند. همچنین تقلیل منزلت اجتماعی انسان‌های دارای طبقات اجتماعی پایین و انفعال آنها در سطح اجتماع و شکل‌گیری شخصیت منفعل و کالاگونگی آنها در مناسبات اجتماعی در نظام ارباب و رعیتی در کنار رئالیسم حاکم در داستان، رمانتیک زدایی را با سبک نوشتاری نویسنده در جای جای داستان مشخص کرده است و بیش از همه فقر و بدبختی و انزوا و بیگانگی را به مخاطب خود انتقال می‌دهد که در آن تسلط ارباب بر رعیت تعارض بین فضای احساسی و رمانتیک را با خشونت زبانی و روحی- روانی مشخص می‌کند به طوری که، ترسیم روابط بی‌احساسی و غیررمانتیک بین ارباب و رعیت (پسر ارباب، مهدی و دختر رعیت- صغری) که بیشتر بعد یک طرفه احساسی از سوی صغری و بعد یک طرفه سلطه غرایز جنسی از سوی مهدی و مرتفع کردن آسان آن بدون هیچ گونه مانعی و همچنین قتل نفس نوزاد به دنیا آمده از این رابطه نامشروع با مشارکت زن ارباب بدون هیچ دلهره و ترحمی به نوه‌اش ناشی از چشم داشت‌های طبقاتی و تشخیص اجتماعی حاکم نمودهای اجتماعی داستان به آذین در دختر رعیت است.

در شکل بندی اقتصادی دختر رعیت، لایه‌بندی‌های اجتماعی در قالب تشدید فاصله طبقاتی و انفکاک و تمایز جامعه روستایی بین دو گروه ثروتمندان (ارباب) و فقراء (رعایا) و بحران‌های مالی و اقتصادی ناشی از جنگ، ظهور جنبش‌های اجتماعی و تأثیرات آن روی طبقات پایین جامعه و وضعیت معیشتی آنها به تصویر کشیده شده است.

در صورت بندی سیاسی، حضور طبقات پایین جامعه (رعایا) در حرکت‌های جنبشی و پیوستن آنها تحت تأثیر تفکر حرکت‌های کارگری مارکسیستی و خلق نوعی ادبیات کارگری با

نگاه چپ‌گرایانه و حضور روس‌ها و انگلیس‌ها در کشور و بهم خوردن فضای آرامش سیاسی جامعه و شکل‌گیری جریان‌های عدالت‌خواهی نظیر جنبش جنگل کاملاً مشهود است. در صورت بندی فرهنگی، نظام‌های یاد شده توانسته‌اند ابعاد فکری و ضمیرناخودآگاه نویسنده را در مسیر طبقه‌منتسب به آن قرار داده و موجبات روشننگری را در خصوص آگاهی طبقاتی فراهم آورند.

Archive of SID

### منابع و مآخذ

- ۱- آبراهامیان، پرواند، (۱۳۷۸)، تاریخ ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، مترجمان کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه چی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۲- اعتمادزاده، محمود، (به آذین)، (۱۳۴۲)، دختر رعیت، تهران، انتشارات نیل، چاپ دوم.
- ۳- ایوتادیه، ژان، (۱۳۷۷)، جامعه شناسی ادبیات و بنیانگذاران آن در درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات، گزیده و ترجمه جعفر پوینده، تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
- ۴- بیلینگتون، روزاموند، و همکاران، (۱۳۸۰)، فرهنگ و جامعه: جامعه شناسی فرهنگ، مترجم فریبا عزیدفتری، تهران، نشر قطره.
- ۵- رابینو، ه.ل، (۱۳۶۶)، ولایات دارالمرز ایران، ترجمه جعفر خماسی زاده، نشر گیلان، چاپ سوم.
- ۶- سلدون، رمان و ویدسون، پیتر، (۱۳۷۷)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، مترجم عباس مخبر، تهران، نشر طرح نو.
- ۷- شوکینگ، ل.ل، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی ذوق ادبی، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس.
- ۸- عسگری حسنکلو، عسگر، (۱۳۸۶)، سیر نظریه های نقد جامعه شناختی ادبیات، مجله ادب پژوهی، شماره چهارم، صص ۴۳-۶۴.
- ۹- فتوگرافی، ناصر، (۱۳۸۵)، مروری اجمالی بر زندگی محمود اعتمادزاده (به آذین)، مجله چیستا، شماره ۲۳، صص ۷۲۴-۷۳۱.
- ۱۰- فخرایی، ابراهیم، (۱۳۵۳)، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، دولت در عصر پهلوی، چاپ اول، تهران، چاپخش.

- ۱۲- گلدمن، لوسین، (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، انتشارات هوش و ابتکار.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، جامعه، فرهنگ، ادبیات، ترجمه و گردآوری محمد جعفر پوینده، تهران، نشر چشمه.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادبیات در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشر چشمه.
- ۱۵- لنار، ژاک، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن در درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشر چشمه.
- ۱۶- لوکاج، جورج، (۱۳۷۵)، شرایط اجتماعی و تاریخی ظهور رمان تاریخی، مترجم مجید مددی، فصلنامه ارغنون، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۳۷-۱۵۱.
- ۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، درباره رمان: درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد جعفر پوینده، نشر نقش جهان، تهران.
- ۱۸- مصباحی پور ایرانیان، جمشید، (۱۳۵۸)، واقعیت اجتماعی و جهان داستان، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۱۹- میرابوالقاسمی، محمد تقی، (۱۳۷۱)، گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما، بی نا.
- ۲۰- میرصادقی، جمال، و میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۷)، واژه‌نامه داستان نویسی، تهران، نشر کتاب مهناز.
- ۲۱- میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۳)، صد سال داستان نویسی ایران (دو جلد)، نشر چشمه، چاپ سوم.
- ۲۲- نیکوبخت، ناصر و عسگری حسنکلو، عسگر، (۱۳۸۷)، تعامل رمان فارسی و جامعه ایرانی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۳ (پیاپی ۲۰)، صص ۳۲۳-۳۴۱.
- ۲۳- وحید، فریدون، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی در ادبیات، ج ۲، تهران، نشر سمت.